



شماره ۵۱، سال پنجم - دی ماه ۱۳۸۷ برابر با ژانویه ۲۰۰۹

نشریه بروزمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سر مقاله

ای آفریدگار پاک ترا پرستش میکنم و از تو باری میجویم
پایینده ایران

آنانکه می خندند، هنوز از فاجعه خبردار نشده اند

در تگی در رویدادهای اخیر فلسطین

هوشنگ کردستانی

پی آمدهای یورش نظامی اسرائیل به غزه

هم میهنان! رخدادهای وحشتناک، غیر انسانی در باریکه‌ی غزه و وضع ناسامان منطقه و جنگی که در راستای مطامع جهانخواران و دولتهای سودجو بر ملت و سرزمین فلسطین پیش از ۶۰ سال است سایه گسترانیده آخرین آن محاصره باریکه‌ی غزه توسط ارتقی اسرائیل و بمباران مردم بسی دفاع فلسطین، به توب پستن خانه و کاشانه، بیمارستانها و مدارس از دریا، یورش تانکها از راه زمین در مقابله آشکار با موازین انسانی و حقوق بشر، محکوم است.

از دیگر سوی اجرای سیاست‌های غلط و سود جویانه و سکتاریستی گروههای فلسطینی در برخورد با یکدیگر و عدم دست یابی به اتحاد راستین ملی به منابع ضعف بزرگ فلسطینیان آبی است که به آسیاب بیگانگان و جنگ افزوزان ریخته می‌شود. آثار این عدم همبستگی ملی تا بدانجاست که اسرائیل در سایه آن به خود اجازه یورش داده و می‌دهد. از این رو بر این باوریم حقوق ملت فلسطین گذشته از تجاوز اسرائیل به آن، ملعنه دست خودخواهی‌ها، خشک سری‌ها و منفعت طلبی‌های پاره‌ای از رهبران نیز شده است. بقیه در ص ۶

چند هفته پیش از برگزاری انتخابات مجلس اسرائیل، دولتمردان آن کشور، برای کسب آرای پیشتر رأی دهنده‌گان دست به یک یورش نظامی علیه گروه حماس در نوار غزه زدند تا بنا بر گفته خود مانع ادامه راکت پراکنی‌های فلسطینی‌ها به جنوب اسرائیل گردند.

آنها برآورد می‌کردند که برخورد نظامی با حماس بسی محبوبیت و وجهه حزب حاکم میان رأی دهنده‌گان اسرائیلی خواهد افزود، محبوبیتی که پس از ناکامی در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان بشدت آسیب دیده و کاهش یافته بود. همچنین برآورد می‌کردند که حزب الله لبنان در شرایطی نیست که برای یاری رساندن به فلسطینی‌ها دست به یک اقدام متقابل نظامی زده و جبهه دیگری علیه اسرائیل بگشاید.

حزب الله و رهبرانی چون شیخ فضل الله می‌دانستند که در صورت درگیرشدن در جنگی علیه اسرائیل قادر به تحمل زیان‌های ناشی از اقدام کوبنده تلافی جویانه ارتقی اسرائیل نخواهند بود و نیز مطمئن نبودند که در صورت درگیری نظامی با اسرائیل این بار نیز بتوانند از حمایت‌های دست و دلبازانه جمهوری اسلامی برخوردار شوند.

کاربیستان جمهوری اسلامی نیز با توجه به کاهش بهای نفت و گرفتاری‌ها و پی آمدهای ناشی از آن، ترجیح دادند تنهایه برگزاری تظاهرات، دادن شعار و پشتیبانی لفظی از حماس و همدردی با فلسطینی‌ها اکتفا کرده و وارد کارزاری بقیه در ص ۴

در این شماره می خوانید:

- پی آمدهای یورش نظامی اسرائیل به غزه هوشنگ کردستانی
- آنانکه می خندند، هنوز از فاجعه خبردار نشده اند حزب ملت ایران
- آتش سده اثری از سعدی نفیسی
- بودجه و اقتصاد ایران در سال آینده ... دکتر علی رشیدی
- سخنی در مورد انتخابات پیام جبهه ملی
- عشق به ایران سروده ای از هاشمی نبی زاده (خرز)

ایران متعلق به همه ایرانیان است

آتش سده

اثری از سعید نفیسی

دی ماه ۱۳۲۳

رسید میزبان شگفت کار در چادر خوبش فرود آمد و جامی از شیره انگور ایران برکشید و فرمان بر افروختن آتش داد. ناگهان سینه آسمان هر چه رازهای سالیانی داشت در برابر آتش افروزی شب سده سال ۳۲۳ هجری سپاهان بیرون ریخت و پرتو آتش جاودانی ایرانی سر به فرازگاه چرخ کهن کشید. مردآویز بر تخت زرینی که به روشن شاهنشاهان ساسانی ساخته شده بود نشست و سه جام باده برکشید و پس از او لشکریان و میهمانان از آن خوان بیدریغ و باده بیحساب شبی به روز آوردند که جهان کمتر بخود دیده بود. مردآویز پسر زیار و پسرزاده مردانشاه گیلی نجیب زاده پرشور گیلان بود. دلاوران این خاندان خود را از فرزندان ارش کمانگیر پهلوان داستانهای ایرانی می‌دانستند. مردان گیلی با گیل مردان از دوران ساسانیان در سرزمین ایرانشهر به دلاوری نامبردار شده بودند. لقب «گیل گیلان» امتیاز بسیار مردانه ای بود که به سرداران بزرگ ایرانی می‌دادند. زیار دو پسر و یک دختر داشت که مادرشان دختر پادوسبان اسپهبد رویان یعنی پادشاه بخشی از طبرستان بود. دو پسرش مردآویز و شمسگیر از آغاز جوانی در میدانهای دلاوری شمال ایران داد مردی داده بودند. مردآویز هنوز جوان نو رسیده ای بود که نامش در سراسر گیلان پیچید و مردان بزرگ آن سرزمین آزومند دیدار وی و خواستار یاری او می‌شدند.

در جنگ و گریزهای پیاپی، مردآویز دستگاهی بهم زد و سران سپاه را گردآورد و ایشان را سوگند وفاداری داد و به هر یک زر و مال بخشید و از مردان قزوین دلجوئی کرد و با ایشان داد کرد و بهمین جهت مردم به او گردیدند و بدینگونه نیرو گرفت و به کشورستانی پرداخت و سرزمین ری را نیز بگرفت.

در این هنگام ماکان دبلمی، مردی از دلاوران دیلمستان، پسر کاکی و نواحی فیروزان که او نیز بر تازباز بدخشان بود طبرستان و آمل را گشاده و تا نیشاپور رفت و بود. اما به خواهش پادشاه سامانی در بخارا، آن شهر را رها کرده و به گرگان و طبرستان بازگشته بود. از آن پس میان ماکان و مردآویز رقابتی سخت پیش آمد و مردآویز به جنگ ماکان رفت و همه طبرستان را بگرفت و سپس گرگان را هم متصرف شد و شیرزیل پسر سالار و ابوعلی که گماشتنگان ماکان بودند هر دو گریختند و مردآویز پیروزمندانه به اصفهان بازگشت و از جانب خود حکمرانی در طبرستان نشاند.

پس از بازگشت مردآویز، ماکان گروهی را با خود همdest کرد و به طبرستان رفت و میان او و حکمرانی که مردآویز گماشته بود جنگ در گرفت و ماکان به خواری به نیشاپور بازگشت و از حکمران این شهر که از جانب سامانیان بود یاری خواست. مردآویز هم لشکری دیگر به طبرستان فرستاد و این بار باز ماکان شکست خورد و گریخت.

نقل از مقدمه نویسنده برگاتاب «ماه نخشب» من نه از این جهت که ایرانیم، بلکه از این جهت که تاریخ خوانده ام و بیاد دارم، می‌توانم به جرأت گفت که کشوری مرد خیز تر از ایران کمتر در جهان ساخته و ساخته و بزرگ این درخت باشد فخر کنند که از ریشه و تنه و شاخ و بزرگ این درخت برومندند، تا نام این مردان بزرگ بر سر زبانها و محفظه خاطرهایها و در اوراق کتابها هست ایران دیر باز زود باز از این مردان خواهد پرورد.

خواش به روزگار کسانی که با این مردان بزرگ زیسته اند و خرم بخت کسانی که باز از این مردان در ایران بیینند. این داستانهای تاریخی که هر کلمه آنها تاریبودی از دل من و سرشنیده است. اگر تنها یک جوان ایرانی هم از یک تن از قهرمانان آنها سرمشق بگیرد همین برای من بزرگترین پاداش خواهد بود.

قرنها در دل زمستان، در شب دهم بهمن ماه، در سراسر ایران زمین به یاد هوشنگ، شاه و پهلوان داستانی ایران، آتش سده افروخته شد. اما در آن سال ۳۲۳ هجری آتش سده و جشن شبانه دوهزارساله آن شکوه دیگر و برای تاریخ معنی دیگر داشت. سیصد دو سال بود که دیگر ایرانیان پیرو آئین مزدیستی برای افروختن این آتش گردید یاگر نیامده بودند. سیصد و ده سال بود که اگر ایرانی پاکزاده ای در چنین شبی می‌خواست داد دلی از زمانه بگیرد جز تنگنای خانه خود گریزگاهی و جز نزدیکان خود را زبانی نمی‌یافت. دیلمی زاده دلیر و برومند، مردآویز پسر زیاد پهلوان گیلان، از سرزمین بدران خود بیرون آمد و به بغداد می‌رفت تا کشور نیاکان خویش را از استیلای تازباز پاک کند و دوباره دستگاه شاهنشاهی ساسانی را در کنار دجله بگسترد. به اصفهان رسیده بود و سفر همدان و بدنیال آن سفری دشوارتر در پیش داشت. خواسته بود جشن نیاکان خویش را که سیصد و ده سال بود از آن شکوه جهان افروز افتاده بود در یکی از بزرگترین شهرهای ایران، سپاهان، برگزار کند و به همین اندیشه دو سه روز در آن شهر مانده بود. از چند روز پیش فرمان داده بود از کوه‌ها و دشت‌های دوردست هیمه بسیار گردآورده و در کنار زنده رود انباشته بودند.

سامگاه آن روز خوانی گستردگی شد که تاریخ جهان سفره ای بدین گشادگی و دستی بدین بخشندگی و میزبانی بدین دست و دل فراخی بخود ندیده بود. همینکه شب فرا

دکتر علی رشیدی

بودجه و اقتصاد ایران در سال آینده در چهار راه

حوالات

به نقل از پیام جبهه ملی

داشته است. ردیف های بودجه و بندهای ذکر شده در زیر ردیف های آشکار و پنهان مخارج، نشان می دهد که دولت مشکل بسیار بزرگی در نه گفتن به این مراکز و افراد قادر تمند و پرنفوذ خواهد داشت.

مشکل سوم آزادگذاری واردات و ظهور نیاز ارزی ۶۰-۷۰ میلیارد دلاری در سال برای واردات است که در سال های اخیر ظاهراً برای کاستن فشارهای تورمی در داخل از سه راه فروش ارز به هر مقدار، برچیدن مقررات حفاظتی و حمایتی از تولیدات داخلی (مثل ثبت سفارشی، اخذ و دفعه ثبت سفارش و ...) و کاستن یا حذف تعریفه ها صورت پذیرفته است. جدول ۳ افزایش خارق العاده واردات در سال های اخیر را نشان می دهد و برای سال آینده پیش بینی واردات حدود ۴۸ میلیارد دلار شده است و این ارقام جدا از میزان واردات قاچاق سالانه کالا است.

مشکل چهارم ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ ارز علیرغم نرخ تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی داخلی باز هم به خاطر جلوگیری از بالارفتن بیشتر قیمت های داخلی (ناشی از بالا رفتن هزینه واردات و رواج بیشتر جو تورمی) بوده است. به عبارت دیگر دولت به جای کنترل هزینه های جاری که علت اصلی افزایش ۳۰-۴۰ درصدی نقدینگی و ایجاد فشارهای تورمی در کشور بوده است وظیفه کاستن فشارهای تورمی را به دوش واردات و نرخ ارز انداخته است که در نتیجه بخش صنعت و صادرات را فدا کرده است.

پیش بینی درآمد نفت و گاز طبق برنامه چهارم برای چهار سال اول ۱۳۸۴-۸۷ برابر ۴۳ میلیارد دلار بوده که عملی دریافتی ها به ۲۷۵ میلیارد دلار رسیده است. به عبارت دیگر اگر طبق برنامه چهارم عمل می شد در پایان سال ۱۳۸۷ می باشد موجودی حساب ذخیره ارزی به ۱۳۲ میلیارد دلار می رسید که حداقل برای پنج سال و در صورت اعمال اضطراب مالی دولت، می شد برای ده سال اقتصاد داخلی را در مقابله نوسانات بین المللی قیمت نفت بینمه کرد.

راه حل مسئله ایراد سخنرانی های آشین درباره عدم تأثیر بحران اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران نیست که خارج از کشور مایه تبعیم مطلعین شده است. راه حل بازنگری تک تک اقلام مخارج جاری ارزی و ریالی در چهار سال اخیر است که از ۳۰۴/۲ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ حداقل به ۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ می رسد (بدون منظور کردن کسر بودجه). در همین چهار سال واردات سالانه حداقل ۲۰ میلیارد دلار بیشتر شده است و حساب سرمایه موازنه پرداخت از ۷۳۸۸ میلیون دلار مثبت (ورود سرمایه ها) در سال ۱۳۸۳ به ۱۳۳۷۵ میلیون دلار منفی (خروج سرمایه) در سال ۱۳۸۶ تبدیل شده است و تنها در ۳ ماهه اول سال جاری این حساب ۴۵۹۵ میلیون دلار منفی بوده است.

اوبارا رئیس جمهور منتخب آمریکا که در یک نیمروز خزانه داری اش می تواند ده ها میلیون دلار اوراق قرضه بفروشد ولی در اثر سوء سیاست های دولت قبلی با وضع مشابهی روپرتو خواهد بود اولین اولویت خود را بازنگری تک اقلام بودجه و هزینه های سال ۲۰۰۹ قرار داده است تا با بقیه در ص ۴

سقوط بیش از ۱۰۰ دلاری قیمت نفت در ماه های پایانی سال ۲۰۰۸ به دلیل اوج گیری رکود اقتصاد جهانی و ترکیدن حباب سفته بازی بر روی نفت، در شرایط فراوانی و افزایشی تأمین منابع مالی در چند سال اخیر، سیاست بازان و خوش خیلان دولتمرد شده در ممالک صاحب نفت را با مشکلات عظیم تصمیم گیری مواجه کرده است. از یک طرف ۳ برابر شدن قیمت نفت در چهار سال همراه با فشار بر استخراج و صادرات، هرگونه ملاحظه مالی و احتیاط در خرج را در شرایط رواج بازی های سیاسی و انتخاباتی و پخش پول عمومی بین خود دولتمردان و یا افراد خانواده را غیرضروری می ساخت و از طرف دیگر انتظار باز هم بیشتر در آماندها، راه افتادن پروره ها، ورود سرمایه های خارجی و امکان استفاده از اعتبارات خارجی، منتقدان را وادار به سکوت و دنباله روی می کرد.

در میان کشورهای صادرکننده نفت وضع کشور ما از همه بحرانی تر و وابستگی سلامت اقتصادی و تعادل اجتماعی ما به نفت از همه کشورها بیشتر می باشد. اگر پنج سال قبل با نفت بشکه ای ۳۰ دلار (عملماً ۲۶/۹ دلار) مخارج ارزی و بودجه ای کشور و دولت تأمین می شد و مازاد درآمد نیز داشتیم، امروز طبق پیش بینی مراکز اقتصادی بین المللی دولت باید نفت را بشکه ای حداقل ۸۸ دلار بفروشد تا سطح مخارج فعلی ارزی و بودجه ای خود را پوشش دهد با توجه به قیمت های رایج فعلی و پیش بینی تداوم رکود اقتصادی حداقل تا اواسط سال ۲۰۱۰، قیمت نفت بین ۴۰ تا ۴۵ دلار در نوسان خواهد بود و در نتیجه حدود ۵٪ نیازهای صوری ایجاد شده به ارز در ۳ سال اخیر تأمین نخواهد شد. در حالی که اگر طبق برنامه چهارم (بند الف ماده ۱) و بر مبنای نفت بشکه ای ۱۹ دلار رفتار می شد اینک می باشد ۵۵ میلیارد دلار موجودی ارزشی ناشی از بالاترین قیمت نفت می داشتیم.

جدول یک نیاز کشورهای عمده صادرکننده به قیمت نفت در سال آینده را با توجه به سطح فعلی مخارج ارزی و بودجه ای آن ها در مقایسه با ایران نشان می دهد و روشن می کند که کشور ما حدوداً ۶٪ بیش از سایر کشورهای صادرکننده نفت به قیمت بالای نفت وابسته است.

جدول ۲ ادامه وابستگی بودجه عمومی به درآمد نفت در چند در سال های اخیر برای نشان دادن کاهش وابستگی، قسمتی از درآمد نفت را به صورت مالیات در بودجه گنجانده اند و مالیات های غیرمستقیم (مالیات بر واردات به صورت حقوق گمرکی) نیز وابسته به درآمد نفت است.

مشکل دوم مدیریت ارزی کشور در سال آینده، راضی نگاه داشتن صدها مرکز هزینه و افراد قادر تمند در مراکز بر نفوذی است که در سال های اخیر از درآمد نفت سهم هزینه

بقیه از ص ۱
کمک کنگره از ولخرچی های دولت بوش جلوگیری کند و طرح هزار میلیارد دلاری کمک به اقتصاد را هدفمند و مؤثرتر اجراء نماید.

بی آمدهای بورش نظامی اسرائیل به غزه
که شاید سران اسرائیل انتظار آنرا داشته و برای رویارویی با آن آماده بودند نشوند.
نظامیان اسرائیل طی ۲۳ روز بورش به نوار غزه، هر کجا را که می خواستند به بهانه حضور عناصر حماس در هم کوپیدند که نتیجه آن ۱۵۰۰ کشته و بیش از شش هزار تن زخمی از سوی فلسطینی و چهارده کشته و شماری زخمی از سوی اسرائیل ها بود. حدود نیمی از قربانیان فلسطینی را غیرنظمیان و بیشتر زنان و کودکان تشکیل می دادند. دامنه تخریب ها به مراکز و ساختمانهای بنیادهای بین المللی (نظیر سازمان ملل) هم کشیده شد.

پرسشی که اکنون مطرح می شود این است که آیا دولتمردان اسرائیل به هدفهایی که عنوان می کردند یعنی تضعیف حماس و جلوگیری از راکت پراکنی به اسرائیل رسیده اند؟ آیا راه کار مشکل پیچیده و درازمدت میان اسرائیل و فلسطین تنها راکت اندازیست که با جلوگیری از پرتاب کردن آنها پایان باید؟ مشکل واقعی چیست؟ راکت اندازی یا تشکیل کشور فلسطینی؟

اسرائیل با اقدام به بورش نظامی و کشتار شماری از مردم بیگناه و محاصره دریایی نوار غزه و جلوگیری از کمک رسانی های بشردوستانه به این منطقه افکار عمومی مردم جهان را بر علیه خود و همدردی با فلسطینی ها برانگیخت. بی تردید بسیاری از بازماندگان کشته شده های این جنگ برخلاف میل باطنی خود از روی ناچاری به حمایت از حماس برخیزند، چیزی که بی شک خواهیند و صلاح سران اسرائیل نیست.

با بورش به غزه، اسرائیل حقانیتی را که در سالهای اخیر در پی سخنان نستجده و بدور از عُرف و خرد سیاسی رئیس جمهوری اسلامی در دنیا کسب کرده بود به یکباره از میان برد، افکار عمومی مردم مسلمان بویژه مسلمانان عرب را علیه خود شوراند، موقعیت کشورهای میانه رو عرب را که خواهان پایان یافتن منافشه تاریخی اسرائیل و فلسطین و برقراری صلحی عادلانه میان آنها بوده و هستند تضعیف کرد، گروه حماس را در جایگاه تنها نیروی مقاومت آرمانهای فلسطینی ها نشاند و سرانجام آنکه با وجود این دست آوردهای منفی، در موقعیت و محبوبیت انتخاباتی ائتلاف حاکم تأثیر چشمگیری پدید نیامد.

مشکل اساسی و تاریخی اسرائیل و فلسطین بر سر ایجاد کشور فلسطین و به رسمیت شناختن آن توسط دولت اسرائیل می باشد که در قطعنامه مصوب سال ۶

بودجه و اقتصاد ایران در سال آینده ...
کمک کنگره از ولخرچی های دولت بوش جلوگیری کند و طرح هزار میلیارد دلاری کمک به اقتصاد را هدفمند و مؤثرتر اجراء نماید.

در ایران آیا بودجه ریزی بر اساس راضی کردن مراکز نفوذ و قدرت و ملاحظات سیاسی و انتخاباتی (وعده دادن یارانه نقدی، متعهد کردن دولت در سفرهای استانی ...) به مجلس و دولت اجازه می دهد که واقع بینانه بودجه ریزی کنند و جلو بسیاری از عدم تعادل ها مخصوصاً تورم بی بند و بار کنونی را بگیرند؟

دیگر بهانه بالارفتن قیمت های بین المللی نیز وجود ندارد. و راضی نگاه داشتن عامه مردم از راه حذف عوامل تورم زا (رشد بودجه جاری دولت، آزادی عمل انحصارات و شبے انحصارات، فقدان نظارت و کنترل واقعی هزینه ها و ناکارآمدی سیستم توزیع) بسیار آسان تر و بادروم تر از پخش پول های موردي است.

جدول ۱

قیمت مطلوب نفت در سال ۲۰۰۹ از دید ممالک صادرکننده (برای حفظ مخارج در سطح سال ۲۰۰۸)

کشور	قیمت (بشکه)
عمان	۴۵ دلار
عراق	۵۰ دلار
قطر	۵۵ دلار
یمن	۵۵ دلار
کویت	* ۵۰ دلار
لیبی	۴۵ دلار
نیجریه	۴۵ دلار
عربستان	* ۴۸ دلار
سوریه	۴۲ دلار
قراقوش	۴۰ دلار
الجزایر	۴۰ دلار
روسیه	* ۵۰ دلار
ایران	۸۸ دلار

* کشورهای کویت، روسیه و عربستان با توجه به ذخایر ارزی موجود و درآمد سرمایه گذاری ها با سقوط قیمت نفت تا سطح ۲۴ دلار نیز مشکلی نخواهند داشت.

آتش سده

پس از این ماجراها در سال ۳۱۹ کار مردآویز بسیار بالا گرفت و از هر سوی لشکریان فراوان بر او گرد آمدند. مردآویز خواهرزاده خود را به گرفتن همدان فرستاد که در آنهمگام مردی بنام ابوعبدالله محمد بین خلف دینوری از جانب خلیفه بغداد حکمفرمایی آنرا داشت. به فرمان وی لشکریان خلیفه با سردار مردآویز به جنگ برخاستند و گروه بسیاری از سپاهیان مردآویز و سردارشان کشته شدند و بازمانده لشکریان پریشان به نزد او بازگشتند.

مردآویز که از این واقعه آگاه شد به خشم آمد و بدیدار بینابی خواهرش در مرگ فرزند دلش بیشتر بدرد آمد. غران و خروشان به سوی همدان شد و پس از چندی به یکی از دروازه های شهر که در آنزمان دروازه شیر می گفتند رسید. این دروازه را از آنجهت دروازه شیر می گفتند که نزدیک آن بر بالای تپه ای از زمانهای قدیم شیری سنگی بود و از آنجا راه ری و خراسان آغاز می شده است. این شیر را از سنگ یکپارچه بسیار بزرگ ساخته بودند که از دور جاندار و زنده می نمود. مردم همدان از زمانهای بسیار کهن معتقد بودند که این شیر را سازنده شهر طلسیم خوبی قرار داده است و هرگاه این طلسیم شکسته یا واژگون شود همدان ویران گردد. به همین چهت مردم شهر در پاسبانی آن کوشش بسیار داشتند و با اینهمه در آن جنگ در میان لشکریان مردآویز و مردان همدان این شیر شکسته شد.

با حمله صاعقه آسای سپاهیان مردآویز، لشکریان خلیفه بر مردم همدان خبانت ورزیدند و شهر را تسلیم مردآویز کردند و در آنروز گروهی بسیار از مردم همدان کشته شدند. گویند سه روز کشtar ادامه داشت و درباره شمار کشتنگان تاریخ نویسانی که در خدمت دستگاه خلافت بودند گزارگوئی بسیار کرده اند. پیدا است که مردآویز در نتیجه کینه سختی که درباره بیگانگان نازی و همدستان ایرانی آنان داشته مردم همدان را از پیروی از بیگانگان تنمی کرده است و این سیاست او را به ستم ها و کشتنارها آلوه کرده اند.

پس از گرفتن همدان و دینور، مردآویز چند تن از سران سپاه خود را با قسمتی از لشکریان خوبیش به اصفهان فرستاد و اینان چون به اصفهان رسیدند، کاخهایی را که احمدبن ابولف کارگزار معروف دربار بغداد در نواحی مرکزی ایران در آن شهر ساخته بود و زیباترین ساختمانهای اصفهان بود برای پذیرایی مردآویز تعییر و آماده کردند. همینکه تعییر کاخ ها به پایان رسید و گردآگرد آنها بستانهای زیبا فراهم شد مردآویز با چهل یا پنجاه هزار سپاهیان خود از همدان براه افتاد و به اصفهان رسید و در آنجا مستقر شد. پس از آن سپاهی به اهواز فرستاد و آن لشکر اهواز را بگرفت.

در سال ۳۲۰ مردآویز یکی از سرداران خوبیش را به گیلان نزد پدر و برادرش فرستاد تا برادر کمترش وشمگیر را که وی می خواست و لیعهد خود کند نزد او آورد. هنگام فرستادن او، سفارش کرد که برادرم مردی روستایی منش و ناهموار است و زنهار تا توانی جز با نرمی و مهربانی با او سخن مگویی. بقیه در ص ۶

به نقل از پیام جبهه ملی

سخنی در مورد انتخابات

کلمه انتخابات در ساختار جمهوری اسلامی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داده و به واژه ای بی محتوی و عنوانی بدون مصداق تبدیل شده است. در اوضاع و احوال موجود ایران صرفنظر از اینکه پیش شرط های لازم برای انجام یک انتخابات واقعی مانند آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی احتجاجات و آزادی احراز محقق نیست آزادی کاندیدا شدن برای هر یک از افراد ملت ایران نیز قابل تصور نمی باشد و این فقط شورای نگهبان انتصاب شده از طرف حاکمیت است که باید اجازه دهد تا فردی بتواند بعنوان کاندیدا پا بر صحنه انتخابات بگذرد. و بدیهی است که این شورای انتصابی هم با استفاده از حریه نظارت استصوابی به احدی جز واستگان و سرسپرده‌گان به حاکمیت امکان حضور در انتخابات را نمی دهد نتیجه آنکه مردم در روز به اصطلاح انتخابات با لیستی از واستگان به حاکمیت جمهوری اسلامی روبرو هستند که ناگزیرند فقط از میان آنان به یک نفر رأی بدene.

از شخصیت های ملی و آزادیخواه، از متخصصین میهن دوست و از دگراندیشان کسی در صحنه نیست و برای ملت ایران تنها دو راه باقی می ماند؛ یا باید در پای صندوق چنین انتخاباتی حضور نیابند و یا بی اعتنایی به آن عدم قبول چنین انتخاباتی را به جهانیان نشان دهد و یا اگر بنا بر ملاحظاتی که بر همگان روشن است احساس کرد که نیاز به ممهور شدن شناسنامه خود به مهر انتخابات دارد، فقط باید به یکی از عوامل حاکمیت رأی بدهد. البته تعداد زیاد آرای سفید و باطله نیز اجبار به رأی دادن و نیاز به مهر خوردن شناسنامه ها را نشان می دهد. بهر حال، راه سومی برایش متصور نیست. در انتخابات گذشته به دلایلی که ذکر آن رفت، انتخابات غیرdemokراتیک و ناعادلانه و در محدوده خودی های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه بر عدم رعایت موازین دموکراسی عدم سلامت انتخابات را نیز بیش از بیش شاهد بودیم تا انجا که شخصیت های کلیدی درون حاکمیت هم از ناسالمی آن فریادشان بلند شد و گفتند که ناچارند از این نایابکاری ها شکایت به درگاه خدا ببرند و بس.

اکنون دولت نهم به پایان دوره خود نزدیک می شود و انتخابات جدیدی ظاهراً با همان شیوه ها و ترفندهای شناخته شده قبلی در پیش روست. دولت نهم با شعارهای نامعقول و ننسنجیده و تنش آفرین از لحاظ سیاست خارجی و بین المللی چهار سال کشور را معطل نموده و چه بسا مخاطراتی را نیز برای کیان ملی ما فراهم نموده است و با اتخاذ سیاست های اقتصادی نادرست برخلاف شعار آوردن پول نفت بر سر سفره مردم قسمت های بسیار بیشتری از جامعه را به زیر خط فقر کشانده و نورم و گرانی و فقر و بیعدالتی روزافزونی را به این ملت تحمیل نموده است. تا جایی که، بخش هایی از درون حاکمیت و حتی مجلس ساخته و پرداخته حکومت، فریاد اعتراضان نسبت به عملکرد این دولت بلند شده است ولی با این حال هنوز مقامات بالای این نظام به فکر حمایت و ابقای چنین دولتی با چنین دستاوردهایی هستند.

از طرف دیگر، جناح معروف به اصلاح طلبان درون حاکمیت با کارنامه پر از فرصلت سوزی های گذشته نه از انسجام و حدت نظر لازم برخوردار است و نه جسارت ضروری جهت انتقاد از وضع ناسامان موجود را دارد و نه شجاعت تاختن پرشور به میدان انتخابات که به هر حال امکان آن برای آنان فراهم است در آنها دیده می شود. ضمناً به این نکته مهم نیز توجه ندازند که مجموعه حاکمیت که از همه لحاظ به بن بست رسیده ناگیر است تا بار دیگر به آمدن آنان به صحنه تن در دهد. یکی از چهره های اصلاح طلب که شناس بیشتر و فرصتی فزون تر برای ورود به عرصه

بقیه در ص ۶

آنانکه می خندند، هنوز از فاجعه ...

نا زمانیکه ارتش اسرائیل، سرزپینهای اشغالی را تخلیه نمی کند و حاضر به پذیرش حقوق مردم فلسطین بر اساس قطعنامه های پرسنال سازمان ملل نیست، باید پذیرید این حق مسلم ملتی است که برای دفاع از سرزمین خود حتا در نبردی تا برابر به مبارزه برای رهایی و استقلال برخیزد. اگر دولت اسرائیل خود را باینند روایت و ضوابط بین المللی بداند از آنجلمه ناسیس دو کشور مستقل را در کنار یکدیگر پذیرد، آنگاه باید انتظار داشت که ملت فلسطین نیز دست از مبارزه پکشد ولی عدم تعهد و مسئولیت دولت اسرائیل به پشتگرمی دولت امریکا نسبت به مقررات بین المللی و بی اعتنایی به قطعنامه های شورای امنیت در راستای تخلیه اشغال نظامی سرزمین فلسطین با کمک چاچنی دیبلوماسی دوگانه تبعیض آمیز امریکا و پاره ای کشورهای اروپایی بر همکار روشن است که حفظ امنیت اسرائیل یکی از بایه های اساسی دیبلوماسی آنهاست ولی بالاخره امنیت اسرائیل و مرزهای آن در کجاست؟ چون در سرزمین های فلسطین برای ارتش متتجاوز اسرائیل نه تنها مرز ثابتی وجود ندارد که مدارس، بیمارستانها، خانه های مردم بی پناه در شهر و روستا هم در آمان نیستند

ولی ترفند دستگاه های تبلیغاتی تحت این عنوان: که حق دولت اسرائیل است از جان شهروندان خود دفاع کند، مطرح می شود ولی این حق با به اصطلاح دفاع آیا باید با بمباران و کشتار و نسل کشی مردم بی دفاع انجام شود؟ به شیوه انسانهای اولیه و قابل پیش از تاریخ که در توجیه گر کشتار مردم بی دفاع باشند و با تأسف بسیار بر این عمل خود نام دموکراسی و رعایت حقوق بشر هم بگذارند.

گیرم در باورتان به خاک نشستند با رسیده هایشان چه می کنید، با روش اجتناب ناپذیر جوانه ها چه خواهید کرد؟

حزب ملت ایران ضمن رد تروریسم در هر شکل و راه حل های خشونت آمیز به هر شیوه اعم از دولتی، گروهی، حزبی یا فردی، دخالت جهت دار عذر نهادن به مسائل داخلی ملت ها و یک جانبه نگری آنها در راستای متتجاوزان به حقوق ملت ها را محکوم دانسته و معتقد است علت عدمه این وضعیت را باید در پشتیبانی بی فید و شرط امریکا از اسرائیل و از دیگر سوی در عدم همیستگی و اتحاد فلسطینیان و فرست طلبی و ابستگی شماری از سران آنها جستجو کرد که نهادها از طریق روه اوردن به شعور و خدمت راستین به مردم و ملت و عفایل است، نه شعار و عوامگری و هشدارند به اعمال نفوذ دولتهای وابسته منطقه و حمایت ابرقدرتیهای جهانخوار توجه نکنند و تنها به منافع ملی، استقلال خود، آرامش منطقه و زندگی آرام برای شهروندان کل منطقه بیاندیشند و وسیله رسیدن بیگانگان به مطابع نامشروعان نشوند. بر این باوریم همانگونه که با توصل به اعمال اتحادی و شلیک موشک از سوی رهبران متفرق و نامتحد، مردم فلسطین قادر نخواهند بود اسرائیل و سران متتجاوزش را به صلح و سازشی پایدار و ادار نمایند، ادامه اشغال سرزمین های فلسطین توسط ارتش اشغال گر و توصل به قهر و سرکوب و قتل عام زنان و کودکان و سالخوردگان بیهدهای مردوگی است برای دفاع از جان شهروندان اسرائیل و رسیدن به ملح.

از این رو، خواهان انخراز روش های خردگرایانه و منطقی در مذاکره ای که در برگیرنده منافع راستین دو طرف باشد، هستیم و فقط فوری بمباران شهرها و آتش بس بین نبروها را بعنوان گام نخست در بروون رفت منطقه از این توطئه می دانیم باشد در برتو مذاکره ای دو سویه و برابر زمینه هایی فراهم شود برای پیروان سه آیین: مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و پیروان هر آیین دیگر تا به زندگی را نمی توان با زور سرکوب کرد.

پیروز باد مبارزات رهایی بخش ملت های در پند استعمار و استبداد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایندان استقرار مردم سالاری است

تروریسم، خشونت و تبعیض در هر شکل محکوم است

دیبر خانه حزب ملت ایران، تهران ۲۵ دیماه ۱۳۸۷ خورشیدی

صفحه ایرانیاک
آقای گل ایران درگذشت صفر ایرانیاک بزرگترین یازیکن خط حمله تاریخ فوتیال ایران درگذشت. صفر در مسجد سلیمان بدینا آمد و در ۲۵ سالگی به نیم فوتیال پرسپولیس بیوست. او در ۶۲ سالگی در بیمارستانی در استکهلم سوئد در اثر بیماری سرطان جشم از جهان فروبست. درگذشت صفحه ایرانیاک را به خانواده او و به جامعه ورزشی ایران صمیمانه تسلیت می گوییم.

پی آمدهای یورش نظامی اسرائیل به غزه بقیه از ص ۴
 سازمان ملل بیش بینی شده است و فلسطینی ها سالهای است برای تشکیل آن با دولت اسرائیل درگیر هستند. نیمی از مردم اسرائیل با توجه به واقعیت حضور فلسطینی ها در منطقه و برای پایان دادن به جنگ و خونریزی موافق تشکیل دولت فلسطین هستند. اسحاق رابین نخست وزیر اسبق اسرائیل در راه تحقق این هدف، جان خود را از دست داد.

راهکار درست جلوگیری از راکت پراکنی فلسطینی ها یورش نظامی نیست بلکه به رسیمی شناختن این حق قانونی و انسانی آنهاست.

چنانچه دولت فلسطین رسماً به وجود آید و اسرائیل آنرا به رسیمی بشناسد، به امکان زیاد، راکت پراکنی ها پایان خواهد پذیرفت. حضور سربازان سازمان ملل میان مرزهای اسرائیل و فلسطین - همانگونه که در لینان عمل شد- می تواند تضمین کننده تنش زدایی میان دو کشور باشد. ادامه حالت جنگ و نارامی میان اسرائیل و فلسطین در عمل به سود تندروها و «بازهای» هر دو کشور است. در اسرائیل هر حزبی که بیشتر بر طبل جنگ بکوید به پیروزی این رسد و در فلسطین نیز تندروها و طرفداران عملیات تروریستی مانند گروه های حماس که با موجودیت اسرائیل مخالفت می کنند قدرت را به دست می گیرند.

بقیه در ص ۷

سخنی در مورد انتخابات بقیه از ص ۵
 انتخابات را دارد در انتظار چراغ سبز مقامات کلیدی نظام است و متوجه نیست که او نیاز به موافقت کسی ندارد و این کل حاکمیت است که نیازمند اوست زیرا که در شرایط داخلی و بین المللی موجود جایگزین دیگری در اختیارش نیست. آیا این اصلاح طلبان حکومتی واقعاً قادرند که از فرست تاریخی که در اختیار آنان است در جهت نجات و ثبات کشور بهره بگیرند؟ و آیا اراده آن را دارند که آغازگر تغییرات بنیادی در جهت برقراری فضایی قابل تحمل و قابل قبول برای ملت ایران باشند؟

جبهه ملی ایران فضای سیاسی کشور را به دقت زیر نظر دارد و در زمان لازم نظر خود را در مورد انتخابات پیش رو، رسماً به اطلاع ملت شرافتمد ایران خواهد رسانید.

دعوی چه کنی که انتخاباتی شد

نی نی به تقلب انتصاباتی شد

موقعیت یک بانوی ایرانی

گروه تحقیقاتی «کاتالیت» ۵۰ زن تأثیرگذار در عرصه مدیریت را انتخاب کرده است که در ردیف چهل و پنجم آن نام «سعیده قدس» بچشم می خورد که در سال ۱۳۷۰ انجمن خبریه ای بنام «محک برای حمایت از کودکان سرطانی» تأسیس کرد. این انجمن در سایه تلاش و فعالیت فعالان آن، به یکی از بزرگترین سازمانهای غیردولتی ایران تبدیل شد و تلاکنون به ۱۲۰۰۰ کودک ایرانی، افغانی و عراقی مبتلا به سرطان یاری رسانده است.

با سپاس از خانم سعیده قدس و همکارانشان بخاطر تلاش های انسانی و بشردوستانه شان

پی آمدهای یورش نظامی اسرائیل به غزه بقیه از ص ۶
چنانچه کشور فلسطین موجودیت یابد و توسط اسرائیل برسمیت شناخته شود و مورد حمایت و دوستی دولت و مردم اسرائیل قرار گیرد، گروه های تندره فلسطینی جای خود را به گروه های میانه رو خواهان ادامه صلح و دوستی با اسرائیل خواهند داد و مقابلاً در اسرائیل نیز شعار نابودی فلسطینی ها کارایی و کاربرد نخواهد داشت.

اگر دولتمردان اسرائیل به خواست اکثریت مردم اسرائیل که خواهان زندگی کردن آرام و همراه با صلح و آشتی در کنار همسایگان فلسطینی و عرب خود هستند توجه کنند می بایست به جای سیاست های جنگی، سیاست نزدیکی و به رسمیت شناختن کشور فلسطین را اتخاذ کرده و به تشکیل آن یاری رسانند. اگر در نوار غزه هم وجود گروه حماس مانع بر سر راه اجرای این سیاست درست است می توانند به آن بخش از فلسطین که در اختیار گروه میانه رو فتح، تحت رهبری محمود عباس می باشد استقلال دهند و از ایجاد مجتمع های مسکونی جدید در آن منطقه جلوگیری نمایند.

موافقت با تشکیل کشور فلسطین توسط دولت اسرائیل و یاری رساندن به توده مردم بی پنهان آن جهت رسیدن به شرایط بهتر و زندگی کردن در صلح و آرامش، بزرگترین عامل تضعیف گروه های تندره فلسطینی به ویژه حماس و جهاد اسلامی است. تضعیف این گروه های تروریستی می تواند اهرم قدرتی را که جمهوری اسلامی از آن علیه اسرائیل و برا فروختن آتش جنگ در منطقه استفاده می کند بی اثر یا کم اثر سازد.

دولتمردان اسرائیل باید میان برقراری صلح و آرامش در منطقه و کنار آمدن و زندگی کردن با ۲۵۰ میلیون عرب و یا ادامه جنگ و خونریزی تا زمانهایی که پایانی بر آن متصور نیست، یکی را برگزینند.

مسلم است که هر انسان آزاده و آزاد بخواهی، دست آزیدن به عملیات تروریستی و عملیات انتحاری را که نتیجه آن کشته شدن انسان های بیگناه از هر ملتی که باشند، به شدت محکوم می نماید. برای از میان برداشتن پدیده تروریسم باید راه کارهای درست مسئله را بررسی و بیدا کرد و شرایط زیربنایی پدید آمدن و گسترش آن را از میان برداشت.

پدیده شوم تروریسم با جنگ و کشتار تروریست ها شاید کاهش یابد ولی از میان نخواهد رفت. برای پایان دادن به این معجل جهانی، عملیات نظامی به تنهایی کافی نیست. ♦

آتش سده

فرستاده که پسر جعد نام داشت گوید که چون به گیلان رسیدم سراغ وشمگیر را گرفتم، مرا به جایی بردند که گروهی با یاهای برهنه و شلوارهای بالازدید سرگردم کاشتن بودند. وشمگیر را که در جمع آنان بود آواز دادم که برادرت شهریاری توانا شده و شهرهای بسیار را گشوده است و اینک ترا به خوبیش می خواند. چون این سخنان شنید دهان پر باد کرد و سپس یکباره خالی کرد و گفت: این بر ریش برادرم که جامه سیاه پوشیده است و خدمت سیاه پوشان می کند. در آن زمان شعار خلافت عباسیان جامه سیاه بود و هر کس می خواست پدیشان تقریب کند جامه ای بدین رنگ می پوشید، و این خود درجه بیزاری مردم گیلان را در آنزمان از خلفای بغداد می رساند. با اینهمه فرستاده مردآویز پس از تصرف خوزستان علی فرزند بویه را به گرفتن شهر کرج فرستاد که از شهرهای بزرگ مغرب ایران در میان همدان و اصفهان بود. خاندان بویه نیز مانند دیگر خانواده های دیلمی خاندان نیکزاده بزرگوار و ایران دوستی بود که نسب خوبیش را به اردشیر بایکان می رسانید. بویه سه پسر برومند داشت بنام علی و حسن و احمد که هر سه از سران سپاه ماکان بودند و چندی پس از آن دو دمان پادشاهی معروف بویه یا دیلمان را بنیاد نهادند که بر بغداد پایتخت خلفا نیز دست انداختند. علی پسر بویه همان کسی است که بعدها از ۳۲۰ تا ۳۳۸ با لقب عمادالدوله پادشاهی کرد.

مردآویز برادر خود وشمگیر را به ری فرستاد و فرمانتوابی آن شهر را به او داد و شیرچ پسر سپهسالار خوبیش را بآ دو هزار و چهارصد مرد گیلی و دیلمی راهی اهواز کرد تا آنجا را بگیرند و راه را در میان قلمرو علی پسر بویه و خلیفه بغداد بینندند، زیرا که یقین داشت دیر یا زود خلیفه علی را بر وی خواهد انگیخت. لشکریان مردآویز در اول شوال ۳۲۲ به راهemer مز رسیدند و خطبه بنا م او خوانندند و بسوی اهواز رسپار شدند. چهل روز تام لشکریان مردآویز در کرانه کارون در برابر سپاه یاقوت سردار خلیفه ایستاده بودند و چون پلی نبود نمی توانستند بدو دست یابند. سرانجام از پل اربعین که از لشکریان یاقوت گرفته بودند گذشتند و اهواز را به تصرف در آوردند.

در سال ۳۲۳، تلاش اصلی مردآویز بر این بود که بسوی بغداد رود و تاج و تخت خلفای تازی را بر اندازد و بجای شاهنشاهان ساسانی در آن شهر بر تخت نشیند. برای اینکار همه وسائل را آماده می کرد و در همه شهرهایی که از اصفهان تا بغداد بر سر راه داشت کارگزاران خوبیش را گماشته بود. اطمینان وی چندان بود که از همان هنگام پسر و هبان را مأمور کرده بود تا هر چه زودتر ایوان مدائی و طاق کسری کاخ معروف شاهنشاهان ساسانی را در تیسفون تعمیر کنند و آنرا درست به صورتی که در زمان ساسانی داشته است برگردانند.

گیل مرد دلیر ما، در آنروزگار خطای بزرگ کرد و آن این بود که گذاشت زمستان آن سال شوم ۳۲۲ بگذرد تا در بهاران سفر شگفت خود را آغاز کند، غافل از آنکه خلیفه تازی و ناجوانمردان طفیلی او به حیله و خیانت نخواهد گذاشت وی بهار آینده را بچشم ببیند و چون بهار ایران دوباره فرا رسد، چهل و چند روز از مرگ این پهلوان ایرانشهر گذشته خواهد بود.

بقیه در ص ۸

سروده هاشمی نبی زاده (خرز)

عشق به ایران

ما دمی پشت به محبوب خود ایران نکنیم
با دل خویش چنین ظلم فراوان نکنیم
عاشق عشق وطن، عشق به ایران داریم
تا عدو هست دل دوست هراسان نکنیم
گرچه کردند کسان مکر فراوان، هرگز
با چنین کار دل خویش پشیمان نکنیم
چون گرفتیم بسی درس وفا از جانان
در ره حفظ وطن فکر سروجان نکنیم
کار ما راستی و مستی و عاشق شدن است
خدعه در کار کسی، ظلم به انسان نکنیم
جز وفاداری و دلدادگی و خدمت دوست
خاطری را به عبت زار و پریشان نکنیم
شادی نوع بشر مقصد اندیشه ماست
چون بهاریم، از آن، کار زمستان نکنیم
شعر ناب است خزر گفتة تو چون شکر است
غفلتی نیست زیاران غزل خوان نکنیم

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه
جبهه ملی ایران
خارج کشور
با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه
هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،
دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه
یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

آتش سده

گیل مردها، همچنانکه خود دوروئی و تزویری در نهاد نداشت،
دیگر مردم روزگار را نیز همچنان می پنداشت و بر این گمان بود که
آنان نیز با درست رفتاری و با شور ایران پرستی با او معامله خواهند
کرد، غافل از آنکه جهان پر از ناکاران است و در برابر هر راست
نهادی، بسیار بدکاره زشتاخو نیز در انتظار فرست فریب دادن و
خیانت کردن ایستاده اند. پهلوان ماسکه خود بیباک و دلیر بود
می پنداشت که برای کامیابی همین مردی و مردانگی بسته است و
به تدبیر و حیله و فریب نیازی نیست. نام وی در دلهاي دشمنان
چنان هراس افکنده بود که در بیشتر جنگلها، پیشاپیش مخالفانی
پشت می کردند و روحی به گریزی نهادند. جامه کوتاه می پوشید و
از همه دیگر سنتهای دربار ساسانی پیروی می کرد. چون سپاهیان
از برابریش می گذشتند شکوه و هیبت او بر پرل ترین مردم روزگار
سايه می افکند.

پس از آن میهمانی شگرفی که گیل مرد پهلوان در آن شب سده
در اصفهان ایستاد، سه روز دیگر در جایگاه این ضیافت بالشکریان
خود ماند. روز سوم به گرمابه رفت تا جامه باران خورده خوش
عوض کند. یکی از غلامانش گورتگین که از غلامان ترسک بود که در
لشکر او بودند، در روحی ترکان دیگری که از جانب کارگزاران خلیفه
تقدینه گرانی برای کشنن مرد آویز استانده بودند بگشود و ترکان بر
گرمابه تاختند. غلام زنگی که به پاسداری نشسته بود فریاد برداشت
و دست پیش آورد. اما ترکان دستش را با شمشیر زندن و غوغای بالا
گرفت. مرد آویز با شنیدن بانگ، خود را به در گرمابه رسانید و آنرا از
پشت پست و تختی را که آنجا بود بر پشت در نهاد و سپس در
جستجوی خنجر خویش برآمد. اما آنرا شکسته یافت. سرانجام
ترکان در راشکستند و بدرون آمدند و یکی از آنان کاردی بر
شکم گیل مرد دلاور زد و آنرا از هم درید و او از دفاع بازماند.
ترکان از گرمابه بدر آمدند و فریاد برداشتند که شکمش را درید.
اما یکی از سران آنان یاروق، که پس از این واقعه در دربار خلیفه
به مقامی بلند رسید زنگار داد که تا سرش را از بیکر جدا نکرده
اید بر جان خود ایمن مبایشد. ترکان بار دیگر به گرمابه
بازگشتند و او را دیدند که به همان حال دو تختی را که در گرمابه
بوده است بر روی یکدیگر گذاشته و رووده بیرون ریخته خود را در
شکم جای داده و بالای آن دو تخت رفته و به یاری کارگر گرمابه
می خواهد روزنه بالا را گشادر کند و از آنجا بگریزد. اما ترکان
اماش ندادند و باز بر او تاختند و او با دستی شکم پاره خود را
گرفته بود و دیر زمانی با دست دیگر از خود دفاع می کرد. بدین
حال بود که این گیل مرد دلیر از پای در آمد و سرش را بریدند تا
به دربار خلیفه ارمنان برند.

چنین بود که در روز ۱۲ بهمن ۲۲۳ هجری، نزدیک هزار و صد
سال پیش از این، یکی از بزرگترین پهلوانان تاریخ دوره اسلامی
ایران، مرد آویز پسر زیار، به خدمعه و نامردی بیگانگان و مzedegiran
فرومایه آنان، در گرمابه اصفهان از بای در آمد، تا تواند پایخت خلفا
را که یک یورش بیش با آن فاصله نداشت از تازیان بستاند و استیلای
بیگانه را از ایران براندازد و در ایوان میدان بن تخت شاهنشاهی
ساسانی نشینید. کشته شد تا دیگر پهلوانان پس از آن اندیشه چنین
گستاخی نکنند.

ابومخلد، از تاریخ نگاران آنزمان، می نویسد که به چشم
خود دیده است که آن شوری که آوردن تابوت این گیل مرد
بزرگ به شهر ری در مردمان برانگیخت در تاریخ روزگار سابقه
نداشته است، زیرا که همه گیلان و دیلمان از چهار فرنگ راه
پیاده به پیشباز این رهبر بزرگ رفته بودند، و آنهمه لشکر پس
از کشته شدن او بی طمع درهم و دیناری به وشمگیر برادرش
پیوستند و وفاداری گیل و دیلم به سرفرازی ایرانشهر،
بدینگونه در تاریخ جهان به ثبت رسید.

۶۹